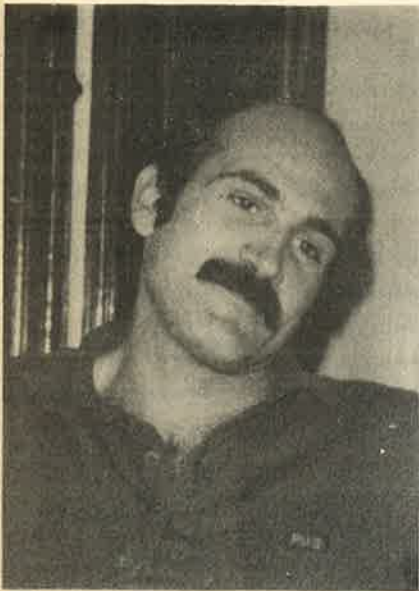


## گل سرخی دیگر فراراه مبارزان توده ای



رفیق شهید صالح امیرافشار

در صفحه ۲

### روزنامه ایزوستیا:

سند دروغین روی پرده تلویزیون  
(بیامون کارزار ضد شوروی در ایران)

در صفحه ۲

### برآ، سمندر من!

بسوخت هر چه مرا بود غیر باور من  
که نیست زان همه، جز سایه ای برابر من.  
چون موج بر شده شوقم گذشت از سر بحر  
در رخ و درد از آن شعله شناور من.  
مرا نماند دگر برگ و بار باغ بهار  
منم کنون و همان حزب ریشه گستر من.  
ز رنج و دانش و امید و مرد می، توده  
نیاز ملت من، مهد مهر پرور من.  
بسی به کام خطر رفت و سر بلند آمد  
تسهمتی است دگر، رستم دلاور من.  
درین گذرگه تاریخ و پیشگاه خرد  
سپاه اوست که فاتح در آید، از در من.  
رفیق و همره و یار و دیار من همه اوست  
بد و بود سرو کارم که اوست داور من.  
پناهگاه من و سنگر همیشه من  
بمان بمان تو بمان ای یگانه باور من.  
مبین به جان و به تن این غبار خاکستر  
ز "آتشی که نمیرد" برآ سمندر من.

### سیاوش کسرائی

بیستم شهر ربور ۱۳۶۳

## سخنان نخست وزیر درباره کردستان: تحریف و تهدید

اخیرا نخست وزیر گزارش نسبتا جامعی از اوضاع کردستان ارائه داد که برخلاف تصور و ادعای ایشان نه تنها برگ افتخارچ! نبوده بلکه سند زنده حکومت آن در برخورد با مسئله ملی یک خلثق ستمدیده است. ایشان به استناد برخی آمار و ارقام خود ساخته چنین وانمود کرد که گویا قوای مسلح رژیم و ظیفه سرکوب نهضت ملی خلق کرد را با کامیابی به انجام رسانده و سلطه بلا منازع حاکمیت در کردستان را برقرار کرده است: "امروزمی توانیم ادعا بکنیم که علیرغم تمامی سر و صداها در کردستان و آذربایجان غربی هیچ نیروی معارضی که بتواند در مقابل انقلاب عرض اندام کند، وجود ندارد و می توانیم ادعا بکنیم که توطئه بطور قاطع شکست خورده و توطئه ای دیگر وجود ندارد." (اطلاعات ۲۴ مهر ۶۳).  
بقیه در صفحه ۳



دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۲  
پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۳  
بها ۲۰ ریال

### پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران

رفقای ارجمند،  
کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم انقلابی و بیپاخاسته جمهوری دموکراتیک افغانستان بهترین شاد باش های رفیقانه و برادرانه را توأم با احساسات گرم همبستگی بمناسبت چهل و سومین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، به کمیته مرکزی و تمام اعضای رزمنده و دلیر حزب توده ایران ابراز می دارد.  
اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان با تاریخ آکنده از کارنامه های بزرگ سیاسی حزب توده ایران، مبارزات خونین آن علیه رژیم جبار سلطنتی محمد رضا پهلوی و نقش عظیم آن در روبرو شنکری و رهبری توده های مردم در جهت دفاع از ارزش های انسانی و انقلابی بزرگ دلسو  
بقیه در صفحه ۷

### تشکل، اتحاد و مبارزه

جامعه ما دچار بحران عمیق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. تعمیق دره ژرف بین فقر و ثروت، که محصول ناگزیر خیانست هیئت حاکمه به آماج های مردمی انقلاب بهممن ۵۷ است، ادامه زندگی توده های میلیونی زحمتکشان را ناممکن می سازد.  
مبارزات اعتصابی کارگران، که نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشتند و به حق خواهان تحولات بنیادی به سود توده های محرومند، با سرنیزه ارگان های سرکوبگر روبرو می شود.  
دهقانان از هستی ساقط شده، که با شرکت فعال در جنبش انقلابی توانسته بودند قطعه زمینی برای گذران بخور و نمیر خود و خانواده هایشان بدست آورند، روانه زندان های شومند و زمین های آنها دوباره به بزرگ مالکان باز پس داده میشود.  
زنان قهرمان ایران که با از جان گذشتگی در نبرد های خیابانی علیه ارتش و پلیس تا دندان بقیه در صفحه ۶

### بمناسبت سی امین سالروز شهادت سومین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران

#### یادواره پنج افسر شهید توده ای

رفیق جعفر وکیلی، یک روز پیش از اعزام از جانب همه افسرانی که به انتظار شهادت بودند به حزب خود نوشت:  
"این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خود مان است. نخست درود آتشین ما را بپذیرید، دیگر آن که بدانید تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم. آنها در فضای بیکران عظمت روحی و ایمان رخنه ناپذیر به راه انسانی خود بسوی مرگ بال گشودند.  
درود بیکران به خاخره ابدی همه شهیدان راه توده های زحمتکش!

سی سال از شهادت سومین گروه از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران گذشت. این شهیدان راه به روزی انسانها اولین یا آخرین گروه اینا رگران نبودند.  
نام پرافتخار این افسران دلاور توده ای که در سحرگاه روز ۷ آبان ۱۳۳۳ در میدان تیر باران با خلق و حزب خود و با زندگی و داغفتند، چنین است:

- ★ رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی
- ★ رفیق شهید سرهنگ د.م کاظم جمشیدی
- ★ رفیق شهید سرهنگ محمد جلالی
- ★ رفیق شهید ستوان یکم محمد باقر واله
- ★ رفیق شهید سرهنگ د.م امیرافشار کشلو

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## روزنامه ایزوستیا:

## سند دروغین روی پرده تلویزیون

روزنامه "ایزوستیا" در شماره ۲۰ اکتبر خود زیر عنوان "سند دروغین روی پرده تلویزیون" پیرامون کارزار ضد شوروی در ایران چنین می نویسد: چهار سال است که جنگ میان عراق و ایران جریان دارد. این جنگ به هردو کشور زیانهای عظیم وارد ساخته و منطقه خلیج فارس را در روخامت دایمی نگاه می دارد.

موضع اتحاد شوروی در ارتباط با این درگیری نظامی کاملاً روشن است. ما مخالف جنگ برادر-کشی هستیم. ما خواهان قطع فوری آن از راه گفتگو می باشیم. ادامه جنگ میان ایران و عراق بسود امپریالیسم و صهیونیسم است که از آن برای تحکیم مواضع خود در خاور نزدیک و میانه استفاده می کنند.

در این میان جالب توجه است که محافل معینی در ایران با لجاجت می کوشند موضع کشور ما را در ارتباط با درگیری ایران و عراق وارونه مطرح سازند. ظاهراً به ابتکار آنهاست که یک فیلم ضد شوروی که واقعیت امر را سخت درگگون جلوه می دهد سرهم بندی شده و روی پرده تلویزیون آمده است. سازندگان سند دروغین این هدف را در برابر خود قرار داده اند که محافل اجتماعی ایران را قانع سازند که گویا اتحاد شوروی مسئول ادامه و تصاعد درگیری نظامی است. با جورکردن مویزانه رویدادها بنحوی که به سیاست صلحجویانه اتحاد شوروی اقترا میزند، آنان تلاش می کنند مسکورا متهم سازند که برخورد نسبت به جنگ ایران و عراق را با "آمریکا هماهنگ" کرده است.

البته این پرسش مطرح می شود: این سند دروغین برای که لازم است؟

روشن است که برای نیروهای امپریالیستی که با دامن زدن اسنادانه به درگیری ایران و عراق می کوشند آثار جنایات خود را محو کنند.

حملات افترا آمیز علیه اتحاد شوروی هم چنین به آن نیروهایی در داخل ایران خدمت می کند که آتش دشمنی کور نسبت به همسایه شما - لی را شعله ور می سازند تا انقلاب ۷۹-۱۹۷۸ ایران را از جهت گیری ضد امپریالیستی تهی کنند و زیر سایه تبلیغات پرسیرو صدای ضد شوروی به سوی غرب و از جمله ایالات متحده آمریکا پل بز - نند. این نیروها، شوروی ستیزی را بعنوان بهانه ای برای ادامه تفسیقات علیه نیروهای مترقی ایران و درجای نخستین، حزب توده ایران پیشاهنگ زحمتکشان ایران مورد استفاده قرار می دهند.

همه می دانند که اتحاد شوروی موضع عدم دخالت در درگیری ایران و عراق را دارد و میگوید: شد با ایران مناسبات عادی حسن همجواری داشته باشد که با اعمال مشخص هم مورد تأیید قرار گرفته است.

اگر به گذشته نزدیک مراجعه شود، واقعاً شهادت بر این می دهند که کشور ما جز نخستین بقیه در صفحه ۶

## گل سرخی دیگر فراراه مبارزان توده ای

و تحقیقاتی می پرداخت. او دارای معلومات قابل توجهی در رشته کمونیسم علمی و استعداد کم نظیری در امور تحقیقاتی بود. در اثر همین استعداد و قابلیت پس از عضویت در "کمیته نفت" حزب در اهواز، مسئولیت تعلیمات کمیته به او داده شد و چند ماه بعد مسئولیت آموزش را در "کمیته" شهر اهواز به عهده گرفت. وی ضمن بهبود فعالیت های آموزشی در سطح استان، مقالات متعددی درباره وضع کارگران صنعت نفت نگاشت که برخی از آنها در نشریه "کارگری اتحاد" منتشر شد. در این اواخر رفیق دست اندرکار نشر کتابی درباره تاریخچه مبارزات کارگران صنعت نفت جنوب بود که دست خونچکان جلادان ج.ا.و رشته حیات او را قطع کرد و کتای بشر را نیمه تمام گذاشت.

فصل درخشان و زرین زندگی پرافتخار رفیق صالح به دوران زندان وی تعلق دارد. بی هیچ تردیدی باید گفت رفیق صالح یکی از پرشورترین، مقاومترین و سازش ناپذیرترین رفقای توده ای ما در زندان اهواز بود. او از اولین توده ای ها در زندان اهواز بود. او از اولین دقایق دستگیری با اراده ای خلل ناپذیر از آرمانهای سترگ حزب دفاع کرد. وی در زیر سخت ترین شکنجه های قرون وسطایی چشم در چشم بازجویان و در خیمن از مشی حزب دفاع می کرد و به افشاگری رژیم می پرداخت. با وجودی که رفیق صالح به اصطلاح زندانیان همه روزه جیره شکنجه داشت، هیچگاه حتی قدمی از مواضع انقلابی اش عدول نکرد. رفیق صالح در پرتو زندانیان سیاسی که بطور عمده توده ای بودند از سویی مظهر مقاومت و شکست ناپذیری بود و از دیگر سوبه عنوان یک توده ای آگاه و با سواد می کوشید تا سطح دانش سیاسی و تئوریک زندانیان را افزایش دهد. جلادان کوشیدند تا او را در برابر زندانیان وادار به "اقرار" کنند اما موفق نشدند، او گفت: "از من می خواهند حرف بزنم" و روزه شکنجه گران فریاد زد "دیوارها از ضرب کابل های شما به صدا در می آیند ولی من به صدا در نمی آیم. من یک توده ای هستم. زنده بساد حزب توده ای ایران..."

وقتی کوشش شکنجه گران ج.ا.و به نتیجه ای نرسید او را به سلول انفرادی منتقل کردند. با اینحال جان پرشور و عشق او به مبارزه، چنان شعله ای بود که با زیانه های شریار، جان رفقای در بند توده ای را از ورای سلول نور و تنگ انفرادی، گرم می کرد.

اکنون رفیق صالح در میان ما نیست، اما مبارزه پیگیر او و نبرد و مقاومت قهرمانانه اش در همه عرصه ها فراموش نخواهد شد. کارگران صنعت نفت که چنین فرزند شجاعی را در دامن خود پرورده اند، به وجود او می بالند و راهش را که راه رهایی همه زحمتکشان است در مبارزه پیگیر با استعمارگران ادامه خواهند داد.

سپیده دم ۲۴ شهریور رفیق صالح امیرافشار در اهواز تیرباران شد. پیش از اجرای حکم اعدام به او چند ساعتی مهلت دادند که "توبه" کند. او نیز یرفت و قهرمانانه به استقبال شهادت رفت. مسئولین زندان به مادرش گفتند، "پسر تو توده ای بود و تا آخر هم از عقیده اش دفاع می کرد و هرچه برادران روی او کار کردند اصلاً دم (!) نشد". پدرش در مجلس ختم او که در خانه برگزار شد، گفت: "دوستا، محکم باشید و خوشحال. صالح زنده است. پسرم مردانه ایستاد. شما هم مردانه بایستید". و بدین سان گل سرخی دیگر فراراه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی شکفت.

رفیق صالح در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده زحمتکش کارگری چشم به جهان گشود. پدرش کارگر شرکت نفت بود. وی که تنها پسر خانواده بود دوران تحصیل را با تمام مشقات و مشکلات در اهواز پشت سر گذاشت. وی بجز دو سال آخرزندگی اش تقریباً بطور دایم در منطقه کارگری اهواز - زیتون کار کرد. با خانواده اش زندگی می کرد. وی به دلیل شخصیت متین، خون گرم، خلقی و شادابش و بخاطر سواد تئوریک و معلومات گسترده اش مورد احترام تمام همکاران، دوستان، افراد فامیل و رفقایش بود. او در اداره مرکزی شرکت ملی نفت ایران (اهواز) کار می کرد و همیشه به عنوان یک عنصر انقلابی فعال چه پیش و چه پس از انقلاب فعالیت داشت.

رفیق صالح پیش از انقلاب بهمن ۵۷ به همراه چند تن از همفکرانش هسته ای تشکیل داد و بیشتر افراد این هسته به تدریج و پیش از همه تحت تأثیر مطالعات ژرف و استعداد کم نظیرش به مواضع حزب روی آوردند. در دوران تلاطم انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷ همراه با توده های مردم به طور فعال در انقلاب شرکت کرد و ایثار و کوشش بی نظیری پای پی کارگران نفت جنوب را اعتصاب گسترده آنها که موجب سقوط رژیم شاه شد، فعالیت کرد. پس از پیروزی انقلاب در سازمان دهی تشکیلات حزب در صنعت نفت نقش ویژه ای ایفا کرد. وی همراه با سایر رفقا، در راه دفاع از منافع کارگری صنعت نفت بطور پیگیر مبارزه می کرد و کوشش داشت تا از انحلال تشکیلات مستقل کارگری جلوگیری کند. پس از انحلال تشکیلات های کارگری در صنایع نفت جنوب مبارزه و فعالیت او و همزمانش در راه ایجاد تشکیلات های جدید کارگری بود.

رفیق صالح پس از آغاز جنگ و حمله نیروهای تجاوزگر به ایران، ۶ ماه را در جبهه گذراند. کار او در جبهه ایثار و پیکار در راه آزادی میهن و ترویج آرمانهای حزب طبقه کارگر ایران بود. او در میان سربازان و درجه داران محبوبیت زیادی کسب و بسیاری از آنها را با نظرات روشن و انقلابی حزب آشنا کرد.

رفیق صالح، همگام با فعالیت گسترده سیاسی - اجتماعی بطور جدی به امور مطالعاتی

## سخنان نخست وزیر

بقیه از صفحه ۱

آنچه نخست وزیر از آن بعنوان توطئه یاد می کند جز پیکار خلقی ستمدیده و مبارز بسرای حقوق ملی نیست. نمی توان آرمان ها و احساسات ملی يك خلق را زیر پا گذاشت و پیکاری را که ریشه در محرومیت های دیرینه ملی دارد به زور توپ و تانک سرکوب کرد. تا زمانیکهستم ملی در کردستان پابر جاست شعله مبارزه رهایی ملی نیز فروزان خواهد بود و هرگونه تلاش برای فرو نشاندن آن ثمری جز تحکیم پیش از پیش صفوف مردم کردستان، دامنه و ژرفا یافتن پیکار آنان و رسوایی و ناکامی سرکوبگران نخواهد داشت.

گو اینکه خود نخست وزیر به این نکته واقف است زیرا بلافاصله پس از ادعای برجیدن کامل پایگاه های مقاومت ملی در کردستان می افزاید: "البته این بدان معنا نیست که این افراد... در کوه ها و بیابان ها پراکنده نباشند و در گوشه و کنار کارهای ایدایی نکنند و جلوی کارهای عمرانی را نگیرند و کارهایی که انقلاب اسلامی برای مردم می خواهد انجام دهد، جلوش را نگیرند. این چنین نیست و چه بسا برای مدتی هم این مسئله ادامه پیدا کند."

آقای موسوی در لابلای این سخنان ایمن هدف را نیز تعقیب می کند که برای پرهیز رژیم از انجام هرگونه اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در کردستان علت مصنوعی بتراشد و مبارزه عادلانه خلق کرد و حزب دمکرات کردستان را عامل آن معرفی کند. اگر دولت خد متنگر "بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران به وعده های خود در سایر نقاط کشور جامعه عمل می پوشاند چنین ادعایی می توانست زمینه داشته باشد. اما کیست نداننده در نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم در همه عرصه ها از جمله گشودن دروازه های کشور بروی انحصارهای چپا و لگر امپریالیستی، یک تازی "تجار محترم" در عرصه تجارت، آزادی عمل کامل بزرگ سرمایه داران در رشته های گوناگون اقتصاد، تثبیت نظام بزرگ مالکی در روستاها و ادامه جنگ عبث و هیرانگر و در يك کلمه در اثر سمنگیری ضد مردمی ج ۱۰ شرایطی بوجود آمده که حاصل رنج و کار توده های میلیونی نصیب مثنی چپا و لگر داخلی و خارجی گشته و زحمتکشان میهن از جمله خلق کرد در محرومیت و فقر جا شکاه بسر می برند. این تنها خلق کرد نیست که با انواع محرومیت ها و فشارهای اجتماعی دست به گریبان است. سایر خلق ها و بطور کلی همه زحمتکشان میهن نیز وضع کم و بیش مشابهی دارند.

خلق کرد علاوه برستم ملی گرفتار ستم اقتصاد اجتماعی نیز هست. برخلاف ادعای نخست وزیر موجد این وضع مبارزین کرد نبوده بلکه سیاست ارتجاعی رژیم است که موافق میل و نفع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان یعنی دشمنان سوگند خورده زحمتکشان تنظیم و اجرا می گردد. نمایندگان می گوید: "کردستان با داشتن امکانات بالقوه کشاورزی و دارا بودن بیش از ۱۹۰۰ روستا و

## قدیمی ترین عضو حزب کمونیست ایران درگذشت



هفتم مهرماه رفیق توده ای محمد دهقانی یکی از پیشکسوتان جنبش کارگری و قدیمی ترین عضو بازمانده حزب کمونیست ایران در اثنای بیماری درگذشت. وی هنگام مرگ ۷۸ سال داشت. رفیق دهقانی، در سال ۱۲۸۵ در يك خانواده، روستایی در ده "ننه کران" از توابع اردبیل متولد شد. وی از دوران نوجوانی به صف مبارزان جنبش رهایی زحمتکشان کشور پیوست. در سال ۱۳۰۵ به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد و در شرایط مخفی به فعالیت انقلابی خود ادامه داد. در سال ۱۳۱۰ همراه با گروهی از کمونیست های ایران بازداشت و به ده سال زندان محکوم شد. هنگامی که گروه "۵۳ نفر" را زندانی کردند رفیق دهقانی ۷ سال از دوران زندان را سپری کرده بود.

در سال ۱۳۲۰، پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان، به اتفاق دیگر زندانیان سیاسی به عضویت حزب توده ایران درآمد، وی در تأسیس کمیته ایالتی حزب توده ایران در تبریز نقش مؤثری داشت.

رفیق دهقانی تا سال ۱۳۲۴ صد کمیته ای ولایتی حزب توده ایران در اردبیل بود و به علت فعالیت های خستگی ناپذیر خود در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در بین آنها محبوبیت بسیاری داشت. وی زبشگامان و پیشگامان نهضت آذربایجان بود و در تأسیس حکومت ملی در این خطه فعالیت چشمگیری داشت.

سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ به عضویت کمیته مرکزی فرقه، دمکرات آذربایجان درآمد و مسئولیت شعبه تشکیلات کمیته مرکزی فرقه، دمکرات را به عهده گرفت.

رفیق دهقانی اوایل سال ۱۳۲۶ پس از شکست نهضت آذربایجان ناگزیر به جلائی وطن شد. در این دوران نیز رفیق دهقانی تا آخرین لحظات زندگی در راه پیشبرد آرمانهای انقلابی

فرهنگ غنی ۰۰۰ در فقر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسر می برد و در یسواد نگه داشته شده و ۰۰۰ نیازمند تحولات بنیادی و طرح های همه جانبه زیربنایی اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی و غیره است" (اطلاعات ۱۸ مهر). ضرورت انجام ایمن تحولات اساسی انجام نشده به همراه ضرورت حل مسئله ملی است که خلق کرد را به پیکاری بی امان وا داشته است.

نخست وزیر در گزارش افتخارات رژیم در کردستان، تنها نکته ای که در باره آن کلمه ای بر زبان نیاورد، حقوق ملی خلق کرد بود. وی طوری این مسئله را مسکوت گذاشت که گویا اصلا مسئله ای بنام مسئله ملی در کردستان وجود نداشته و ندارد. از این رو تلاش ویژه ای بکار بست تا مبارزه مردم کرد را "فتنه ای" وانمود سازد که به اشاره انگشت "استکبار جهانی" برای دامن زدن اختلاف سنی و شیعه برپا شده و ادامه دارد.

نخست وزیر بار دیگر بر ادامه سیاست سرکوب

خود، در جهت استقلال، آزادی و ترقی ایران و پیروزی زحمتکشان فعالیت کرد. او در تمام دوران زندگی خویش به آرمانهای حزب وفادار بود و وظایف حزبی را با صمیمیت انجام می داد. او قریب ۵۸ سال از عمرش را در صفوف حزب طبقه کارگر ایران گذراند. وی مبارزی شجاع، انسانی شوخ طبع، نیک نفس، خوش بین و نشاط بود و جنبش و تلاش، علیرغم کهولت، هرگز او را ترک نگفت. رفیق دهقانی وطن خود را به شدت دوست می داشت و همواره با هیجان از آن سخن می گفت، او همیشه در جمع رفقای حزبی می گفت: پیروزی سرانجام با زحمتکشان است. در سال ۱۳۵۷ خاطرات خود را با عنوان "خاطرات زندان" به زبان آذربایجانی نوشت و منتشر کرد.

دوستان و همزمان رفیق دهقانی یاد رگدشت او يك رفیق صمیمی و با تجربه را از دست دادند و حزب توده ایران یکی از پیشکسوتان جنبش کارگری را، یادش گرامی بباد!

قساوت بار خلق کرد تاکید کرد و گفت: "این افراد دو سه راه بیشتر در پیش ندارند" یا باید جلائی وطن کنند، یا "به شدت سرکوب بشوند و ما در این زمینه همره هستیم و یا اینکه افرادی از اینها با آن شرایطی که نظام ج ۱۰ تا کنون مطرح کرده به آغوش اسلام برگردند."

اما خلق کرد راه خود را می رود: راه مداوم پیکار برای احقاق حقوق ملی در چارچوب ایرانی مستقل، آزاد و آباد. سه راه حل فوق که جز رهایی دست نیافتنی رژیم شایسته عنوان دیگری نیست، کوچکترین قربانی با راه واقعی حل مسئله ملی در کردستان ندارد. تجربه نشان داده و آینده نیز نشان خواهد داد که تهدید و سرکوب نه تنها مانع نبرد عادلانه نیروهای مترقی کرد نخواهد شد بلکه عزم آنها را در ادامه پیکار راسختر نیز خواهد کرد.



بقیه از شماره گذشته

## علل و عوامل زاینده اختلاف پیرامون حاکمیت

### انگیزه‌های طبقاتی اختلاف در جامعه

و فقر، "نبردی که در حصار زمانی، نژادی، قومی، یا فرقه‌ای ویژه باشد نیست." (صفحه ۱ و ۲).

همفکران شریعتی‌ها پیرامون حاکمیت، نیروی قابل ملاحظه‌ای هستند آنها بد رستی دریافت‌اند که توده‌های میلیونی زمینکشان با شرکت در جنبش انقلابی، نظام اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر "مد ریزنه کردن" اجتماعی به شیوه سرمایه‌داری را رد کردند. آنها درک می‌کنند که با اصرار روی "خصلت اسلامی" بودن انقلاب به قصد نادیده گرفتن طبقات و افسار ناهمگون در جامعه، نمی‌توان تضاد های اجتماعی را سرپوش گذارد.

ناگفته پیداست که ما نقش اسلام و روحانیت را در انقلاب نفی نمی‌کنیم. جنبش اعتراضی سیاسی تحت شعارهای مذهبی مخص کشور ما نیست و نمی‌تواند به مثابه پدیده استثنایی ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. هم تاریخ کشور ما و هم دیگر کشورهای جهان نمونه‌های زیادی در این زمینه ارائه می‌دارد، که در شرایط مشخص تاریخی و در ارتباط با درجه پیشرفت اجتماعی، از شعارهای مذهبی نه برای "احیای موازین دینی"، بلکه برای اهداف سیاسی - اجتماعی، استفاده شده است. بنابراین بحث فقط و فقط بر سر محتوی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی انقلاب بهمین ۵۷ می‌تواند باشد.

حتی خود سران ج ۱۰ نیز مجبورند "انقلاب اسلامی" را با مسئله راه رشد اجتماعی - اقتصادی تطبیق دهند. وقتی آنها می‌گویند، گویاسیا - ست "نه شرقی، نه غربی" را در پیش گرفته‌اند و نظام مورد نظرشان نه سرمایه‌داری و نه سوسیالیسم، بل "نظام اقتصاد اسلامی" است، آگاهانه یا نا - آگاهانه، مسئله اجتماعی و اقتصادی را مطرح می‌سازند. گرچه به اعتراف اکثر نظریه پردازان ج ۱۰، "اقتصاد اسلامی" خود مقوله مبهمی بیش نیست ولی طرح مسئله از این دیدگاه، خود دلیل قاطع اثبات نظر ما پیرامون اهداف واقعاً موجود انقلاب بهمین ۵۷، یعنی اهداف اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. بنابراین اطلاق صفت اسلامی به انقلاب، این اصل مسلم را که انقلاب ایران عالیترین مرحله مبارزه طبقاتی بود، نمی‌تواند از انظار پنهان دارد.

انقلاب بهمین دارای محتوی اجتماعی بود. هرکس این اصل را درک نکرده، نمی‌تواند از این درس تاریخی پند آموزد. بدینسان می‌توان گفت که انقلاب فقط از نظر نقش رهبری سیاسی روحانیت دارای شکل اسلامی بود. گفته می‌شود که خصلت ضد سرمایه‌داری نهضت نتوانست رشد کند.

این نظر، حد اقل در باره مرحله اوج جنبش انقلابی و حتی مرحله نخست بعد از پیروزی انقلاب صادق نیست. گرچه برخی از روحانیون کمسازشکلی اجتماعی از ویژگی‌های آنهاست، با تمام قوا کوشیدند تا انقلاب را از محتوی اجتماعی تهی سازند و خصلت ضد سرمایه‌داری آنرا برده پوشی کنند، ولی این پدیده به اندازه‌ای ملموس و ژرف بود که نمی‌توانستند آنرا نادیده بگیرند. قطعنامه‌ای که پس از راهپیمایی عظیم چند میلیونی تهران در عاشورای سال ۱۳۵۷ در میدان "شهید" به تصویب رسید سند انکار ناپذیر در تایید این نظر است. علیرغم مقاومت روحانیون، توده‌های میلیونی زمینکشان نتوانستند خواست های اساسی خود را در این قطعنامه بگنجانند.

شرکت کنندگان در راهپیمایی خواهان "سقوط و برچید شدن بساط شاه و رژیم سلطنتی استبدادی و پایان یافتن همه گونه آثار استثمار خارجی که با استبداد داخلی پیوند بنیادی دارد"، "تامین حقوق اجتماعی - سیاسی و مدنی کلیه افراد جامعه و اقلیت های مذهبی"، "تامین آزادی واقعی و حیثیت و شرف و کرامت انسانی زن"، "اجرای عدالت و تامین حقوق کارگران و دهقانان و امکان بهره‌وری کامل آنان از محصول کار و دسترنج خویش"، پایان دادن به "هرگونه تبعیض حقوقی و اجتماعی و استثمار انسان بوسله انسان و زورگویی ظالمانه طبقاتی و سلطه‌گری اقتصادی"، دستیابی به "استقلال شرافتمندانه اقتصادی و احیای کشاورزی و پیشرفت صنعتی مستقل" شدند.

مضمون این قطعنامه، آیینی‌ای است که انگیزه های طبقاتی اختلاف مو-

وجود دو "طرز تفکر"، دو جناح درون جامعه و نیز در حوز جمهوری اسلامی در برخورد به سایل اجتماعی و اقتصادی - مخالفان و حامیان "تبعیض های اقتصادی و رفاهی" به سود صاحبان ثروت - بیانگر آن است که نه حزب جمهوری اسلامی و نه به وجه احسن "کل جامعه اسلامی" به مثابه یک مکانیسم واحد عمل نمی‌کند، یعنی فاقد وحدت ایدئولوژیک است. و این دلیل بارز نفی نظرات آقایان درباره خصلت "اسلامی" انقلاب است.

توده های مردم انقلاب کردند، کشته دادند تا بعد از پیروزی تغییرات بنیادی در جامعه بوجود آید. اختلاف در جامعه بر سر مسائل اجتماعی - اقتصادی، این نظر را نفی می‌کند که "پیروزی ما برای اداره مساجد است، ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد چه داعی داریم که بیاییم خود مان را به مهلکه ببندازیم و وارد این امور شویم؟ ما برای اسلام اینکارها را می‌کنیم و شما ملت برای اسلام قیام کردید، و برای اسلام اینهمه زحمت کشیدید و دارید می‌کشید" (نامه انقلاب اسلامی، ویژه نامه، سال ۱۳۶۰). زیرا اگر واقعاً هم مردم برای اسلام قیام کرده بودند و هیچگونه مبارزه طبقاتی و رهایی از سلطه غارتگران داخلی و خارجی و دستیابی به آزادی های سیاسی در میان نبود، چه نیازی به این کشمکش‌ها، دویت‌ها، اختلافات و تضادها در درون جامعه می‌بود. چرا "مسلمانان خوب" حتی در محدوده حزب حاکم قادر به توافق بر سر این و یا آن محضل کشوری نیستند؟ آنچه در کشور می‌گذرد با ساختار طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی در ارتباط است، گرچه حزب جمهوری اسلامی وجود طبقات را در جامعه نفی می‌کند.

۲۵ مرداد ماه ۶۱، روزنامه "جمهوری اسلامی" تفسیر دفتر سیاسی این حزب را منتشر ساخت که در آن درباره نفی طبقات در جامعه گفته می‌شود: "گرایشات طبقاتی و صنفی و ایجاد محورهایی بر اساس لایه‌بندی‌های اجتماعی و اقتصادی از آفت‌هایی است که ممکن بود انقلاب اسلامی ما بدان مبتلا شود. اینکه جمعی بدفاع از خواسته‌ها و علائق صنفی گردید یکدیگر جمع شوند و در راه تحمیل خود و نظرات خود بر دیگران حتی بدون در نظر گرفتن مصالح مجموع حرکت انقلاب اسلامی گام بردارند و بدین گونه مخاصمه و نبردی غیر واقعی در درون صفوف مردم بوجود آید و حاصلش تضعیف پایه های انقلاب و هرز بردن نیروها، ایجاد فرصت های مناسب برای اشخاص و گروهها باشد، خواست نیروها بوده و هست."

منظور دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی از نیروها، احزاب و سازمان های انقلابی است. ولی کیست که نداند دفاع از خواسته‌ها و علائق طبقاتی از مشخصات عمده نظام سرمایه‌داری است، که جامعه رایه طبقات آشتی‌ناپذیر تقسیم و دیکتاتوری اقلیت صاحبان سیم و زر را بر اکثریت محروم تحمیل می‌کند.

نظریه پردازان ج ۱۰ وجود طبقات در جامعه را از ابداعات کمونیست‌های دانند. به نظر آنها جامعه اسلامی از "صنوف مردم" که بر حسب درجه "تقوی" از یکدیگر متمایزند، تشکیل می‌شود. طبقات خیلی قبل از ماکس و انگلس وجود داشتند. در کشور ما نیز مبارزان مسلمان زیادی هستند که نه تنها وجود طبقات در جامعه را نفی نمی‌کنند، بلکه انکار محروم‌ترین و بالنده ترین طبقات و نیروهای ضد استثمار جامعه را از وظایف عمده خود می‌شمارند و طبقه استثمارگر در جامعه را عمده مانع تکامل جامعه انسانی و وصول به پیشرفت اجتماعی می‌دانند.

آقای علی شریعتی در "مقدمه بر حجر بن عدی" می‌نویسد: "پایمردی و جانبازی دانشمندان و روشنفکران پاک اندیش و قهرمانان پاکباز و دلیر تاریخ ما ۱۰۰۰ ادامه نبردی است که از هنگام آدم میان دو قطب زر و زور و رنج و فقر آغاز شده است." او، بعنوان یک مسلمان متعهد بر خلاف سران ج ۱۰ تاکید می‌کند، که نبرد میان دو قطب زر و زور و رنج

## علل و عوامل زاینده اختلاف پیرامون حاکمیت

جود در جامعه به طرز بارزی در آن منعکس است. کارگران و دهقانان خواهان امکان بهره‌وری کامل از محصول کار و دسترنج خویش بودند و استثمار انسان از انسان و زورگویی طبقاتی را قاطعانه رد می‌کردند. وضع فلاکت‌بار کارگران و دهقانان در دوران رژیم ستمشاهی نیازی به تشریح ندارد. غارتگری طبقه حاکمه و سیطره امپریالیسم‌شرایط توانفرسایی برای زحمتکشان فراهم آورده بود. میانگین درآمد ماهانه ۸۴ درصد از خانواده‌های شهری از ۱۲۵۰ تومان تجاوز نمی‌کرد. ۲۶٫۲۰ درصد از آنها درآمدی معادل ۴۱۶ تومان در ماه داشتند که بیانگر گسترش فقر در کشور بود (ایران آلمانخ، سال ۱۹۷۵). وضع در روستاها از این هم بدتر بود. درآمد سالانه خانواده‌های روستایی ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ تومان بود.

۳۰ دسامبر ۱۹۷۵، خبرنگار خبرگزاری "فرانس پرس" در گزارشی از تهران نوشت: "بی عدالتی است اگر بگوییم که ارتقا" سطح زندگی شامل ایرانیان تهیدست شده است. در حال حاضر تعداد افرادی که در ایران روزانه با یک بشقاب برنج، چند پیاز، قطعه‌ای نان و چند چرعه‌دغ تغذیه می‌کنند و سرونه زندگی را بهم می‌آورند، اندک نیستند". به موجب آماري که پس از انقلاب انتشار یافت ۲۵ هزار خانوار بزرگ مالک حداقل ۳ میلیون هکتار زمین قابل کشت در اختیار داشتند. مساحت کل اراضی آنان به ۲۱٫۵ درصد از کل اراضی دایر و بایر کشور بالغ بود. ۲۸ درصد از روستاییان ایران فاقد زمین بودند و ۵۴ درصد دیگر که به زراعت اشتغال داشتند، روی زمین ارباب‌کار می‌کردند، فقط ۱۸ درصد از روستاییان در حد ارتزاق پخوری و نمیر خود مالک قطعه‌ای زمین بودند. (اطلاعات، ۷ دی ماه ۶۱).

آیا تخییری در این وضع فلاکت‌بار کارگران و روستاییان بوجود آمده است؟ جناحی که آقای هاشمی رفسنجانی آن را طرفدار تقویت بخش دولتی و تجدید عرصه عملکرد بخش خصوصی می‌نامد نیز دارای انگیزه‌های مشخص طبقاتی بوده و هست. خرده بورژوازی شهری، بورژوازی کوچک و لایه‌هایی از بورژوازی متوسط در زمره این گروهند. طبیعی است که همه این گروه‌ها نیز دارای انگیزه‌های طبقاتی همگون نیستند و نمی‌توانند باشند. ولی در مجموع با نظام سرمایه‌داری وابسته مخالفتند.

طبق آماري که در سال ۱۳۵۴ انتشار یافت، ۹۷ درصد از کل صنایع غیر نفتی کشور را صنایع کوچک تشکیل می‌دادند (تهران اکونومیست، ۱۸ بهمن ۵۴). سیاست رژیم شاه که در جهت حفظ منافع "گروه‌های صنعتی" بود، این موسسات را در معرض ورشکستگی قرار می‌داد. صاحبان این کارگاه‌ها به علل گوناگون از قبیل بدوی بودن تجهیزات فنی، عدم مدیریت بهره‌دهی پایین کار، کمی میزان سرمایه و عدم امکان استفاده از اعتبارات بانکی (که کلاً در خدمت کلان سرمایه‌داران بود) به‌تدریج توانستند به حیات خود ادامه دهند. نظام سرمایه‌داری وابسته این گروه عظیم را تهدید می‌کرد. ۳۰ آبان ماه ۵۴ مجله "تهران اکونومیست" نوشت: "سرمایه‌های کوچک اگر ضرر و زیان نرسانند، نفعی برای هیچکس ندارند و بنابراین هنگام آن رسیده است که دولت به کسانی که سرمایه‌ای کمتر از یک میلیون تومان در اختیار دارند، "اجازه فعالیت ندهد".

این سیاست در مورد کسبه نیز دنبال می‌شد. همان مجله در شماره اول آذر ۵۴ مسئله کسبه و اصناف را طرح کرد و نوشت که آزاد گذاردن سرمایه‌داران جزء در رشته‌های خدمات، که نه برای خود مفید هستند و نه خدمتی واقعی برای مردم انجام می‌دهند، لطمه وارد آوردن به اقتصاد مملکت است. نویسنده از دولت می‌خواست تا تعداد اصناف و کسبه را محدود و خدمات را "در دست شرکت‌ها و موسسات قوی و مجهز" قرار دهد.

نظامی که حکم محکومیت این گروه عظیم را صادر می‌کرد، نمی‌توانست مورد موافقت آنان باشد. امروز پس از گذشت پنجسال و نیم از پیروزی انقلاب، جناح ارتجاعی در حاکمیت که سیاست "دروازه‌های باز" و بازسازی سریع نظام سرمایه‌داری وابسته را پیشه خود ساخته است، طبیعی است که

با مقاومت سرسخت در جامعه و پیرامون حاکمیت مواجه گردید. طبق آمار رسمی، نقدینگی بخش خصوصی به رقم ۸۰ میلیارد تومان بالغ است. چنین ثروتی فقط در دست کلان سرمایه‌داران می‌خواند متمرکز شود. دعوت از آنان برای سرمایه‌گذاری، آیا معنایی جز احیای نظام سرمایه‌داری وابسته و بازگشت به دوران ستمشاهی در عرصه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟

اگر در گذشته تدابیر حقوقی و سیاسی و اجتماعی دولت همراه با سیاست مالی و اعتباری یکی از عمده‌ترین عوامل تمرکز و تراکم سرمایه و تولید بود، امروز نیز همان شیوه‌ها متداول می‌شود. معاون طرح و برنامه وزارت صنایع می‌گوید که ۶۰ تا ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در صنعت از طریق استقراض بانکی انجام شده است (کیهان، ۱۱ شهریور ۶۳). اواخر آذر ماه ۵۴، کاظم خسروشاهی یکی از سرمایه‌داران بزرگ، ضمن تعجید از مأموریت سیاست "استراتژی بزرگ" رژیم ستمشاهی، که گسترش وسیع مالکیت موسسات بزرگ را تجویز می‌کرد، از جمله گفت: "فرامیسن و مقررات در جهت تنظیم و تحکیم و تقویت آنها برای اجرای این مأموریت تدوین می‌شود و هر نوع سیاست‌های متناقض با این مأموریت لاجرم محکوم می‌گردد" (تهران اکونومیست، ۲۹ آذر ماه ۵۴).

پس از گذشت پنج سال و نیم از پیروزی انقلاب، مشابه اینگونه سخنان را می‌توان از زبان گردانندگان اهرم‌های مملکتی شنید. امروز هم فرامیسن و مقررات در جهت تقویت کلان سرمایه‌داران صادر می‌شود. تصادفی نیست که معاون طرح و برنامه وزارت صنایع ضمن توضیح پیرامون فرمان سپردن کارها به دست کلان سرمایه‌داران، اظهار داشت: "۰۰۰ امکانات کار در بخش‌های تولیدی می‌باید در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد. مثلاً، در بخش صنعت فردی که مجوز کار تولیدی می‌گیرد ضروری است که زمین، آب، برق و ماشین‌آلات و مواد اولیه به میزان کافی در اختیار وی گذاشته شود. پس واگذاری امکانات کافی می‌تواند ابهامات موجود را در مورد سختی کسار تولید (!) از میان برد و رغبت افراد را برای انجام کار تولیدی و صنعتی افزایش داد" (کیهان، ۱۱ شهریور ۶۳).

کار پایه جناح ارتجاعی در حاکمیت عبارت است از تجدید عملکرد بخش‌های تعاونی و دولتی و گسترش هرچه بیشتر عرصه فعالیت غارتگرانه کلان سرمایه‌داران. این جناح در عین نفی وجود طبقات در جامعه، از منافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ حمایت می‌کند، از پیوستن به جبهه واحد ضد امپریالیستی جهانی دوری می‌جوید، خواهان احیای مواضع امپریالیسم در کشور است و بالاخره کمونیسم ستیزی افراط‌گسیخته و سرکوب‌هواداران سوسیالیسم علمی و دیگر درگرا ندیشان انقلابی را سازمان می‌دهد.

جناح دیگر که بطور عمده پیرامون حاکمیت و در مجموع جامعه هستند و نیروی بالقوه عظیمی را تشکیل می‌دهند، مخالف این سیاست جناح ارتجاعی هستند. در این میان دو نیروی عمده محرکه انقلاب، یعنی رلرتاریا و خرده بورژوازی قاطعیت بیشتری در این مخالفت از خود نشان می‌دهند. لایه‌هایی از این جناح که بورژوازی کوچک و متوسط را در بر می‌گیرد، خواهان رشد "سرمایه‌داری ملی" هستند و ایجاد مناسبات با دول‌امپریا-لیستی را تا آنجا که به منافع آنها ضرر نرساند، تجویز می‌کنند.

آنچه در این میان جلب توجه می‌کند و باید در بررسی توازن نیروها در نظر گرفته شود، موضع اکثریت این جناح مخالف است که بطور عمده سخنگوی خرده بورژوازی هستند. این گروه از سرمایه‌داری مایوس شده و چشم انداز رشد سرمایه‌داری را برای ایران قبول ندارند. مبارزه با امپریالیسم، اعتراف به وجود تضادهای طبقاتی در جامعه، تمایل به اندیشه‌های برابری اجتماعی زیر عنوان "عدالت اجتماعی" اتحاد با جبهه ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی از ویژگی‌های این گروه است. آنها خود را به زحمتکشان و در وهله نخست به دهقانان کم زمین و بی زمین نزدیک می‌کنند و مخالف کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هستند.

در مرحله نخست پس از پیروزی انقلاب، اعتدالی جنبش سیاسی و اقتصادی بوده‌های زحمتکش به جناح ارتجاعی امکان نمی‌داد که سیاست ضد خلقی خود را تحقق بخشد. اختلاف آشکار میان گفتار و کردار رهبران ج ۱۰ و عدم اجرای شعارها و وعده‌هایی که داده بودند، موجب آن گردید که رژیم بقیه در صفحه ۸

### تشکل، اتحاد و مبارزه

بنیة از صفحه ۱

صلح دوران ستمشاهی از استقلال و آزادی میسر و حق انسانی خود دفاع می کردند، امروزه تنها از هر گونه حقوق انسانی محرومند و در ماتم فرزندان خود که در جبهه های جنگ و بیادار فراموشخانه های رژیم به شهادت می رسند، نشسته اند، بلکه در معرض تجاوز وحشیانه مشتی چاقو داران "حزب الهی" قرار دارند.

دانشگاه ها و مدارس ده زمانی از مراکز عمده نبرد علیه رژیم خود کاه پهلوی بودند و با دادن تریائی های فراوان سهم ارزنده ای در اوج جنبش داشتند، اینک به زندان مسخ افکار جوانان و نو باوگان تبدیل شده اند.

نبرد خلق های میهن مادر راه خود مختاری و تعیین سرنوشت ادامه دارد. جنگ برادر کشی در کردستان تلفات جانی و مالی بی حساب بیار می آورد.

احزاب ملی و مترقی، مدافعان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، با بهره گیری از بیگانم ترین شیوه های پلیسی، سرکوب می شوند. دهها هزار انسان که یگانه "گناه نابخشودنی" آنها بیکیار در راه دفاع از منافع توده های محروم است، در سیاهچال های وحشتناک رژیم زیر شدیدترین شکنجه های مدرن و قرون وسطایی در مرز مرگ و زندگی بسر می برند. هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق به دست جوخه های اعدام سپرده شده اند. محاکمات پشت درهای بسته و صدور احکام جابرانه ادامه دارد.

سران جنبهوی اسلامی برای حفظ حاکمیت خود، ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک را زیر پا گذارده و انواع ارگان های سرکوبگر را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط ساخته اند.

امروز، پس از گذشت پنج سال و نیم از پیروزی انقلاب، حاکمیت ارتجاعی که سیاست "دروازه های باز" را در پیش گرفته و زیر پوشش "سپردن کار مردم بدست مردم" در مسیر بازسازی سریع نظام منحدت سرمایه داری وابسته و احمیاء مواضع از دست رفته انحصار های امپریالیستی گام بر می دارد، طبیعی است که با مقاومت توده ها روبرو گردد.

باز هم مانند گذشته، طبقه کارگر ایران که در کوره نبرد طبقاتی آبدیده شده، پرچم مبارزه را برافراشته است. نبرد اعتضایی که با عکس العمل و ششپایه رژیم روبرو گردیده و قربانیان زیاد بی جای میگذارد، در حال اوج است. مقاومت و مبارزه دهقانان در مقابل زورگویی مالکان بزرگ و حامی آنها در حاکمیت رو به تشدید است. مبارزات موضعی مردم در شهرهای بزرگ و کوچک علیه سیاست رژیم حاکم هرچه گستره تر می شود.

تظاهرات جوانان در ورزشگاه شبرودی، بر خلاف آنچه روزنامه "جمهوری اسلامی" در مقاله ۱۸/۷/۶۳ می نویسد، ناشی از ضعف مدیریت مسئولان ورزشی و احیانا وجود دست های مرموز سیاسی در پشت پرده نیست، بلکه تظاهرات قانونمند خشم و نفرت توده ها علیه سیاست ایران

برباد ده سران ج ۰۱۰ است. شعارهایی که برای اولین بار در این تظاهرات مطرح گردید، خصلت عمیقاً سیاسی آن را به ثبوت می رساند.

سران رژیم تصور عبث می کردند که با یورش به حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای ملی و مترقی، قادر خواهند بود، بذری را که آنها در جامعه افشاندند اند و امروز نیز در سخت ترین شرایط ترور و اختناق با از جان گذشتگی در به شمر رساندن آن می - کوشند، بخشکانند.

اعتناع سران ج ۰۱۰ از برآورده ساختن آماج های مردمی انقلاب و سیاست سازش با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و گرایش به سوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تضاد های اجتماعی و ملی داخلی را که رژیم بسه حدت آنها کم بها می داد، هرچه بیشتر تشدید می بخشد. در چنین شرایطی چه باید کرد؟

تجربه گذشته می آموزد، تا زمانیکه مبارزات موضعی در این بیان کارخانه روستا، محله، اداره، اعتصاب ها و تظاهرات متحد و متشکل تبدیل نگردد، نمی توان نیروهای ارتجاعی را خلع سلاح کرد. در این زمینه طبقه کارگر می تواند و باید نقش برجسته ای ایفاء کند.

وقت آن رسیده تا هسته های مخفی رهبری کارگاه ها شکل کنونی اعتصاب های جداگانه در این و یا آن کارخانه را به اعتصاب های رشته های صنعتی ارتقاء دهند. بدیگر سخن باید کوشید اعتصاب کلیه کارگران کارخانه های دارای تولید مشابه را با خواست های مشترک هم در محدوده یک شهر صنعتی و هم در مقیاس کشور سازمان داد. اعتصاب های همبستگی رشته های صنعتی و خدماتی در دفاع از اعتصابیون مورد یورش ارگانهای سرکوبگر، شکل موثر دیگر مبارزه متحد است که نه میتوان و نه باید از نظر دور داشت.

مقاومت روستاییان در برابر مالکان بزرگ و مراجعه دسته جمعی روستاییان این یا آن روستا به ارگان های گوناگون اجرایی و قضایی و قانونگذار به مثابه اشکال رایج مبارزه، که هم اکنون بطور پراکنده جریان دارد، فقط در صورت گسترش دامنه و تأمین یکپارچگی آنها در مقیاس استان ها می تواند ثمر بخش باشد.

شیوه تشکل، اتحاد و مبارزه که ما از آنها یاد کردیم شامل کارمندان بخش های دولتی و خصوصی و تعاونی، دانشجویان و دانش آموزان و زنان نیز هست. اعضای حزب توده ایران در هر کجاکه هستند - در کارگاه ها، روستاها، ادارات و نهاد ها، مدارس و دانشگاه ها - موظفند این روند را که بتدریج اوج می گیرد، هرچه پیشتر تسریع بخشند.

در این میان مسئله عمل مشترک و نیز اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک حائز اهمیت فراوانی است. ما با درک مسئولیت تاریخی، همه نیروهای انقلابی سیاسی و انقلابیون مذهبی و همه آنان را که به استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی ارجح می نهند، مخاطب قرار می دهیم و اعلام می داریم که پیروزی بردشمن نیرومند در شرایط پراکنده گی نیروها، توهمی بیش نیست. ما باریگر هشدار

### خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

#### یک حادثه کوچک

در یکی از خیابان های نارمک از طرف یکی از گشت های بسیج به سوی اتومبیلی تیراندازی شد. در اثر تیراندازی دو عابر پیاده (دو زن) مجروح شدند. معلوم شد که اتومبیل مزبور دارای ضبط صوت است و راننده آن که جوان ۲۰ ساله ای بود که از کاست موسیقی استفاده می کرده است.

جوان های محل که از تیراندازی شدید با "۳-۳" که به زخمی شدن دو خانم انجامید، سخت به خشم آمده بودند، با ماموران گشت تنیدیدا اعتراض کردند.

هنگام رساندن خانم های مجروح به بیمارستان آمبولانس با پیر زنی شدیداً اتصادف کرد و موجب مرگ او شد. آمبولانس بی آنکه توقف کند به راه خود ادامه داد.

#### تهدید "منقلابی"

حجت الاسلام یاسینی مسئول دایره سیاسی - ایدئولوژیک پایگاه هوایی شیراز، هنگام سخنرانی در یکی از کارخانجات گفت "همانطور که یکی از برادران در وزارتخانه ها گفته اند شما کارگران هوس انقلاب منقلب به سرتان نزنند. چنانچه انقلاب منقلب به سرتان نزنند از کارخانه بیرون بریزید هر چه گلوله داریم در شکمتان خالی می کنیم"

#### روزنامه ابزوستیا:

#### سندردوغین روی پرده تلویزیون

بقیه از صفحه ۲  
کشورهایی بود که انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی را تهنیت گفت و همیشه به مخالفت با توطئه چینی های امپریالیسم آمریکا برمی خاست که میکوشید انقلاب را خفه کند. اتحاد شوروی هنگامیکه غرب محاصره اقتصاد ی علیه ایران برقرار کرد به کمک ایران جمهوری آمد.

بطوریکه می توان از روی برخی اظهارات نمایندگان دولت ایران قضاوت کرد، ایران نیز مایل است مناسبات حسن همجواری را با اتحاد شوروی تحکیم کند. اما دامن زدن به کارزار شوروی ستیزی و بویژه فیلم افترا آمیزی که تلویزیون ایران سرهم بندی کرده است، بهیچ وجه هماهنگ با آن اظهارات نیست و از آن بیشتر، کمکی به توسعه دوستی واقعی میان دو همسایه نمی کند.

می دهیم که بدون جبهه واحد نیروهای انقلابی در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، خطر آن هست که تاریخ بار دیگر تکرار شود. علت عمده توقف انقلاب در مرحله سیاسی و عدم فراروی آن به انقلاب اجتماعی را فقط و فقط در پراکنده گی نیرو های انقلابی، اعم از مذهبی و غیر مذهبی باید بیگاری کرد. ما نمی توانیم و حق نداریم این تجربه تاریخی را نادیده بگیریم.

## شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جشنهای "آوانته" و "اونیتا"

ورزی بطور وسیع سیاست ترور حاکم بر ایران را افشا و محکوم کردند .  
در آخرین روز جشن هنگام سخنرانی رفیق " کونیال " دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، وقتی که از طرف سردبیر روزنامه " آوانته " حضور هیئت نمایندگی حزب توده ایران اعلام شد، دهها هزار نفر از شرکت کنندگان در جشن با کف زدن های معتد همبستگی خود را با حزب ما اعلام داشتند .

جشن " آوانته " ارگان مرکزی حزب کمونیست پرتغال در روزهای هفتم تا نهم سپتامبر در حومه شهر لیسبون برگزار شد . در این جشن بیش از ۵۰۰ هزار نفر شرکت کرده بودند . هیئت های نمایندگی مختلف از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز حضور داشتند .  
در اثنای مراسم مختلف، هیئت های نمایندگی و اعضای حزب کمونیست پرتغال، همچنین نمایندگان مجلس و نمایندگان تعاونی های کشاورزی -

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمونیستهای سوریه

رفقای گرامی ،  
بناسبت شصتیمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست سوریه ، درود های برادرانه و شاد باش کمیته مرکزی و اعضای حزب توده ایران را بپذیرید .  
تاریخ حزب کمونیست سوریه پیوسته با مبارزه مردم سوریه علیه استعمار ، امپریالیسم و صهیونیسم و در راه استقلال ملی ، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی هم پیوند بوده است .

حزب ما برای همبستگی حزب شما با پیکار حزب توده ایران ، بهیژه در شرایط دشوار و سرکوبگرانه کنونی ارج فراوان قائل است .  
وفاداری سرسختانه شما به مصالح طبقه کارگر سوریه ، مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری احترام فراوان و ستایش کمونیست های ایرانی را برانگیخته است .  
بار دیگر موفقیت شما رفقای عزیز را در پیکار در راه صلح ، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم خواستاریم .

با درود های برادرانه ،  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

بقیه از صفحه ۱  
۱۳۵۷ خلق ایران آشنایی کامل داشته و ضربه ناجوانمردانه و هولناکی را که مرتجعین کمین کرده در حاکمیت رژیم کنونی بر آن وارد آورده اند ، ناشی از همین استواری حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ایران می دانند .  
آغاز چهل و چهارمین سال فعالیت حزب توده ایران در شرایطی برگزار می گردد ، که علیرغم پیروزی وحشیانه مرتجعین و خائنین به انقلاب صفوف حزب توده ایران بار دیگر متشکل گردیده و به مبارزه برحق خویش علیه دشمنان واقعی انقلاب ایران ادامه می دهند .

حملات وحشیانه و توطئه های خونین حاکم مرتجع و وابسته به امپریالیسم علیه حزب توده ایران ، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و سایر نیروهای ملی ، مترقی و وطن پرست ایرانی و زیر پا گذاشتن اهداف والای انقلاب دلو ۱۳۵۷ خلق ایران در چارچوب سیاست تجاوزگرانه و ضد انسانی امپریالیسم ، و در رأس آن



غرفه " نامه مردم " در جشن روزنامه " اونیتا " در فلورانس، ایتالیا

همه جانبه و بیدریخ همه نیروهای مترقی و صلح - دوست جهان و در رأس آنها اتحاد شوروی بزرگ این دژ تزلزل ناپذیر صلح و ترقی و سوسیالیسم و ضامن مطمئن استقلال و آزادی خلق ها و آزادی افغانستان بپاخاسته و انقلابی برخوردارند .

ما در حالیکه یکبار دیگر چهل و سومین سالروز پرعسارت تاسیس حزب توده ایران ، این پیشاهنگ آگاه طبقه کارگر ایران را به شما و از طریق شما به همه اعضای داغ دیده ، ولی رزمنده حزب توده ایران از صمیم قلب شادباش می گوئیم ، یقین کامل داریم که حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به انکلی وحدت عام و نام سازمانی و سیاسی به اهداف برحق و والای انسانی خویش در جهت تحقق تحولات عمیق و بنیادی انقلابی و تأمین صلح به پیروزی های بزرگی دست خواهند یافت .

— زنده باد دوستی بزرگ ، برادرانه و ریشه دار تاریخی بین خلق های ایران و افغانستان !  
— زنده باد دوستی خلل ناپذیر برادرانه بین حزب دمکراتیک خلق افغانستان و حزب توده ایران !

با درود های پرشور انقلابی ،  
کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا ، صورت می گیرد ، که هدف از آن بدنام ساختن جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و احیای عام و تام قدرت حاکمه مالکان و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم در ایران می باشد .

مردم بپاخاسته افغانستان انقلابی نگرانی و انزجار عمیق خویش را در قبال سیاست ضد انسانی ، ضد ترقی و ضد صلح و سیاست سیاه ترور و اختناق که محافظ حاکمه ارتجاعی ایران و همدستانان ساواکی آنها به یاری نزدیک و همه جانبه شبکه های جاسوسی کشورهای امپریالیستی و متحدین بد نام آنها در منطقه علیه نیروهای مترقی ایران ، بخصوص حزب توده ایران ، اعمال می کنند ، ابراز می دارند .

مردم افغانستان انقلابی ، که با خلق برادر ایران دارای پیوند های مشترک و فراوان تاریخی و فرهنگی هستند ، در شرایط دشوار کنونی ، که ناشی از توطئه ها و سیاست ارباب مرتجعین وابسته به امپریالیسم علیه خلق ایران می باشد ، با قاطعیت صداقت و استواری در کنار خلق برادر و نیروهای انقلابی ایران قرار دارند .

مردم ایران در مبارزه برحق و دشوار خویش در راه سعادت و بهروزی تنها نبوده ، انزشتیبانی

## رویدادهای جهان

### یک سال از تجاوز ننگین به گرنادا گذشت

ضربه برق آسای امپریالیسم آمریکا برگرنادا کوچک و بی دفاع و عضو سازمان ملل متحد پسرده از جبهه واقعی سیاست و آشینگتن برداشت چکه آهنگین "رنجر" های آمریکایی نه تنها حق قانونی یک خلق کوچک را که تنها پنج سال آزادانه زندگی کرده بود، بلکه مفاهیم اخلاق و حقوق بین المللی و مواد منشور سازمان ملل متحد را نیز پایمال کرد.

جامعه بین المللی حقوق دانان د مکررات با حقانیت کامل اعلام کرد که "داخله مسلحانه" آمریکا در گرنادا، در هیچگونه چارچوب حقوقی نمی گنجد و بنابراین یک عمل تجاوزی غیرقانونی و غیراخلاقی است که قابل توجیه نمی باشد. کارشناسان سازمان تحقیقاتی شورای نیمکره غربی که مرکزش در واشینگتن است از جانب خود پس از مطالعه تمام اسناد مربوط به این تجاوز اعلام کردند: هیچیک از دلایلی که د دستگاه اداری ریگان برای توجیه تجاوز به گرنادا ارائه کرد جوایگی واقعیات نیست.

تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به گرنادا، صدوسی و ششمین تجاوز آشکارش در صدساله اخیر به آمریکا لاتین و ششمین تجاوز در حوضه دریای کارائیب بود.

در آغاز ریاست جمهوری رونالد ریگان سندی بنام گزارش کمیته "سانتافه" زیر عنوان "سیاست نوین بین المللی در سالهای هشتاد" تهیه شد، که در آن همه دولتها، احزاب و جنبشهایی که از تحت الحمایگی آمریکا آزاد شده اند ویا میکوشند آزاد شوند را دشمن ایالات متحده آمریکا بشمار آورده و گفته است که علیه آنها میتوان با هروش و افزاری، اعراض محاصره اقتصادی، سرنگون کردن از راه توطئه، ایجاد عدم ثبات، کشتن رهبران و غیره مبارزه کرد. تجاوز به گرنادا هم در چارچوب همین برنامه انجام گرفت.

امپریالیسم آمریکا معتقد است که "انقلاب بمتابه" مدل توسعه مستقل باید نایب شود و بویژه با کاربرد نیروی نظامی باید نایب شود تا تمام کسانی را که بخواهند راه نظیر آنرا برگزینند به تفکر وادارد.

خفه کردن گرنادا بمنظور اخطار به دیگر کشورهای و بویژه کشورهای آمریکای لاتین که از منافع ملی خود دفاع می کنند صورت گرفت.

امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به هدف فلهای تولید خود از هیچ وسیله ای، هرقد هم غیر - اخلاقی و ناپسند، رویگردان نیست. رسوایی اخیر پیرامون رهنمودهایی که سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا برای باند های ضد انقلابی نیکاراگوئه تدوین

ین کرده و به آنان می آموزد چگونه دست به قتل - های سیاسی و ترور بزنند نیز در چارچوب همین سیاست است و مقامات رسمی واشینگتن که اینک با روشن این سند مفتضح در وضعیت قرار گرفته اند بیپوده می کوشند شرکت خود در تنظیم آنرا تکذیب کنند.

از این سند بخشی دیده می شود که در دستگاه اداری کنونی آمریکا الهام بخش سیاست تروریسم دولتی است.

### گفتگوها در لاپالما و هدف امپریالیسم آمریکا

گفتگوهایی که هفته گذشته میان فرستادگان جبهه "فارا بوند ومارتی" و ناپلئون د وارته رییس جمهور السالوادر در شهرک لاپالما انجام شد با ارزیابی های گوناگونی از سوی ناظران سیاسی روبرو گردید.

در کشورهای آمریکای لاتین عقیده دارند که هدف ناپلئون د وارته از پیشنهاد دیدار و گفتگو این بوده که مانع از هجوم نیروهای انقلابی السالوادر در لفظه کنونی شود زیرا می تواند تاثیر نامطلوبی بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بضرر رونالد ریگان بگذارد. از این گذشته آمریکا میکوشد دولت انقلابی نیکاراگوئه را در مقیاس بین المللی در وضع نامطلوبی قرار دهد. بدین معنی که رژیم السالوادر حاضر به گفتگو با مخالفان خویش است در حالیکه دولت انقلابی نیکاراگوئه از گفتگو با قاتلان خلق نیکاراگوئه که توسط سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا سازمان داده میشوند، پول دریافت می کنند و مستقیماً رهبری میگردند امتناع می کند.

برای اینکه مقاصد غیر جدی رییس جمهوری السالوادر برای انجام گفتگوهای سازنده آشکار نشود کافیسیت یاد آوری شود که او فقط پیشنهاد کرد که امکان شرکت نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی و شهرداری در سال ۱۹۸۵ مورد بررسی قرار گیرد.

اما علیرغم مانورها و ایجاد موانع برای تنظیم نحوه مذاکرات و از جمله ندادن تضمین برای امنیت فرستادگان جبهه "فارا بوند ومارتی" نیروهای انقلابی در گفتگوها شرکت کردند تا مسائل مربوط به بحران در السالوادر را مورد بررسی قرار دهند و مواضع خود را، در مورد راه های برون رفت از بحران با توسل به مذاکرات سیاسی اعلام کنند.

انجام گفتگوها خود بخود نشانه آنست که رژیم السالوادر و البته اربابان آمریکاییش جبهه آزادی بخش ملی "فارا بوند ومارتی" را به عنوان حریف جنگی و سیاسی قبول می کنند ولی راه حل مشکل السالوادر تشکیل دولتی با شرکت وسیع نیروهای انقلابی و ملی است و نه فقط بررسی "امکان شرکت نیروهای چپ در انتخابات سال ۱۹۸۵".

### علل و عوامل زاینده

بقیه از صفحه ۵  
بند ریج پایگاه خود را در میان توده ها از دست بدهد. این روند به جناح ارتجاعی امکان داد تا سیاست چرخش به راست را عملی سازد. تفرقه میان احزاب و سازمان های سیاسی ملی و مترقی و ضد امپریالیستی و انقلابیون مذهبی، نقش مهمی در تحقق این سیاست داشت.

امتناع از بر آورده ساختن آماج های مردمی انقلاب و تمایل سازش با کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و امپریالیسم، تضاد های اجتماعی داخلی را که به حدت آنها کم بها داده می شد، تقویت می کند. در چنین شرایطی وظیفه تاریخی خطیری در برابر نیروهای انقلابی، مدافعین منافع اکثریت محروم جامعه قرار دارد: اتحاد در جبهه واحد بخاطر پیشرفت انقلاب و دور ساختن جناح ارتجاعی از حاکمیت سیاسی و اقتصادی. این نیز وقتسی میسر خواهد بود، که با تکیه بر نکات مشترک پیرامون هدف عمده مبارزه در مرحله کنونی، یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مشی سیاسی و بند و انداختن حربه "ترس از نفوذ کمونیسم" ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیسم، زمینه عملی اتحاد و مبارزه فراهم شود.

پیروزی بر دشمن مشترک، در شرایط پراکنگی نیروهای انقلابی پیرامون حاکمیت و بیرون از آن توهمی بیش نیست. حزب ما همیشه از خود محصور بینی بدور بوده و هست. ما اعتقاد راسخ داشته و داریم که بدون جبهه واحد، بدون وحدت عمل همه این نیروها، خطر آنست که بار دیگر تاریخ تکرار شود. علت شکست همه نهضت های ملیست و دمکراتیک هشتاد سال اخیر را فقط در پراکندگی نیروهای ملی و مترقی باید پیکای کرد. مانعی توانیم و نباید در لحظات حساس و سر نوشت ساز کنونی، این تجربه را نادیده بگیریم. آزموده را آزمودن خطاست.

### کمکهای مالی رسیده:

کمک هواداران در هلند	۵۰۰ گولدن
رفیق ک	۶۵۰ کرون
رفیق سیامک	۵۰ دلار
رفیق ق	۲۰۰ کرون
رفیق ک	۴۰۰۰ مارک

NAMEH MARDOM

No: 22

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

NOV. 1, 1984

Price

W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

## به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!